

ترویجی

## بررسی تحول خانواده ایرانی از دریچه شاخص‌های جمعیتی (۱۳۹۵-۱۳۵۵)

محبوبه جعفری‌بائی<sup>۱</sup>، علی رحمانی فیروزجاه<sup>۲</sup>، یعقوب فروتن<sup>۳</sup> و منوچهر پهلوان<sup>۴</sup>

چکیده:

خانواده بدون شک اصلی‌ترین نهاد در جامعه به شمار می‌آید که چه در گذشته و چه در جامعه امروزی کارکردهای مهمی را داراست، لذا انعکاس تغییر در خانواده آنقدر مهم است که می‌تواند به کل جامعه تعمیم یابد. به دلیل اهمیت تحولات جمعیتی ایران در چهار دهه اخیر، موضوع محوری این مقاله مساله‌شناسی تحول خانواده با استفاده از بررسی آمار وقایع حیاتی ولادت، ازدواج و طلاق موجود در آرشيو سازمان ثبت احوال کشور است. در این مقاله از روش اسنادی و تحلیل ثانویه به بررسی چهار دوره ۱۰ ساله ولادت، ازدواج و طلاق پرداخته شده است. در نتیجه بررسی کلی شاخص‌های جمعیتی ولادت، ازدواج و طلاق نشان داد که خانواده ایرانی طی ۴۰ سال تغییر اساسی را تجربه کرده است. رشد منفی ولادت و کاهش رشد ازدواج در مقایسه با رشد چند برابری طلاق را می‌توان نشانه‌های جمعیتی دانست که ایران را در مرحله دوم گذار جمعیتی قرار داده است. از طرفی تشدید روابط اجتماعی بدون مرز در قالب شبکه‌های گسترده ارتباطی موجب تحول در نگرشها، ارزشها و چارچوب‌های زندگی سنتی شده است. بویژه دگرگونی هویت زنان به عنوان یک عضو موثر در زاد و ولد، تحت تاثیر جهانی شدن، توانست نقشی تاثیر گذار در تحول خانواده را رقم زند.

واژگان کلیدی: ساختار خانواده، ولادت، ازدواج، طلاق، گذار جمعیتی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. mahbobejafari95@gmail.com

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول) arf1348@gmail.com

۳- دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلرس و محقق افتخاری دانشگاه ویکتور نیوزیلند و دانشگاه غرب سیدنی استرالیا ایران. y.foroutan@umz.ac.ir

۴- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران mpahlavani1967@gmail.com

## مقدمه:

اولین هسته زندگی بشر از خانواده آغاز می‌گردد، تغییرات زیادی در شکل خانواده رخ داده است که رسیدن به یک تعریف واحد به نظر بی‌نتیجه می‌رسد. از آنجا که «مفهوم خانواده زیر بنای اولیه جامعه‌شناسی است» (گیلز، ۲۰۰۳)<sup>۱</sup> انعکاس تغییر در ساختار خانواده آنقدر مهم است که می‌تواند به کل جامعه تعمیم یابد. تلاش برای فهم تغییر و پویایی نظام‌های اجتماعی از جمله نهاد خانواده، همواره مطلوب نظر جامعه‌شناسان بوده و پیوسته در کانون توجه آنها قرار داشته است. تغییرات ارزشی در خانواده بر جامعه تاثیر می‌گذارد و تحولات جامعه نیز در مناسبات خانوادگی موثر خواهد بود. آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> معتقد است: «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است.» بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های نوین ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر سبب گشایش مرحله تازه‌ای در جوامع بشری شده است، مرحله‌ای که با اصطلاحاتی نظیر: جامعه فراصنعتی (دانیل‌بل)<sup>۳</sup> پست مدرنیسم (ژان بودریار)<sup>۴</sup> گستره همگانی (هابرماس)<sup>۵</sup> جامعه شبکه‌ای (مانوئل کاستلز)<sup>۶</sup> و جامعه اطلاعاتی توصیف و تبیین شده است. ورود به جامعه اطلاعاتی، همچون مرحله گذر از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی، تمامی جنبه‌های حیات بشری را تحت تاثیر قرار داده است. عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با انبوهی از فرصت‌ها و چالش‌های اساسی مواجه ساخته است و از این روست که مفهوم جامعه اطلاعاتی، امروزه به سرچشمه‌ای از بحث‌ها و گفتمان‌های فراوان تبدیل گردیده است» (اسعدی، ۱۳۸۷: ۶۰). تحولات خانواده، امروز بحثی جهانی است که در همه جوامع اتفاق افتاده است. منتها بستر تغییرات از کشوری به کشوری دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است. ما امروزه شاهد رخدادهایی مانند افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش زنان سرپرست خانوار، افزایش سن باروری، کاهش

1- Gillies

2- Giddens

3- Daniel Bell

4- Jean Baudrillard

5- Habermas

6- Manuel castells

فرزندآوری، افزایش تک والدی و خشونت خانوادگی، تغییر سبک زندگی، کاهش طول زندگی مشترک، افزایش طلاق در خانواده مواجه هستیم که این امر نشان از تحولات و تغییرات در الگوهای زندگی خانواده ایرانی است». البته این تغییرات، پس از جذب و درونی شدن، خود به عنوان عامل درونی در تعامل همسو و ناهمسو با نیروهای همچنان فعال و شاید بسیار فعال جهانی شدن تغییرات جدیدی را ایجاد می‌کنند. پیداست که تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه‌دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن‌شدن (تغییر) بوده است» (سرای، ۱۳۸۵: ۴۱). شناخت تحولات در حوزه خانواده مطمئناً در فهم تحولات اجتماعی کمک کننده خواهد بود. همانطور که برناردز<sup>۱</sup> «مطالعه خانواده را مطالعه خود جامعه می‌داند» (برناردز، ۱۳۹۰: ۵۵). لذا این مقاله درصدد است تا ضمن رصد تغییرات حاصله در مباحث ولادت، ازدواج و طلاق، به فهم میزان و چگونگی تغییر در خانواده و در نهایت به شناخت جامعه ایرانی نزدیک گردد.

### پیشینه تجربی

با توجه به اهمیت نهاد خانواده تحقیقات متعددی بامحوریت ساختار خانواده در ایران و سایرکشورها انجام شده است که به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد .

- فروتن (۱۳۹۶) با پژوهشی با عنوان رویکرد اجتماعی و جمعیت شناختی به مسائل خانواده معاصر با تاکید بر سقط جنین در ایران، به مهمترین مسائل خانواده و برخی از مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با رویکرد جامعه (خانواده) از طریق بررسی سقط جنین پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که نزدیک به دو پنجم افراد بررسی شده به سقط جنین نگرش مثبت دارند، در عین حال، این الگوی کلی تحت تاثیر سه دسته متغیر تعیین‌کننده، شامل متغیرها و تعیین‌کننده‌های جمعیت‌شناختی پایه، مانند سن، جنس، و وضعیت تاهل، محل سکونت، بعد ایده‌آل خانواده و سطح تحصیلات متغیرهای مرتبط با مولفه‌های مذهبی، دینداری و متغیرهای مرتبط با نگرش‌های جنسیتی است.

- ملکی، ربیعی، شکر بیگی، بالاخانی (۱۳۹۴) در بررسی فردی‌شدن خانواده در ایران با تاکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده‌های ایرانی از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده

ایرانی در راستای فردی شدن هر چه بیشتر عرصه خانواده، روند مشخصی دارد، این تغییرات در تمامی ۳۱ استان کشور مشاهده شده، اما شدت و اندازه تغییرات در استانها بیش از آنکه به تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی مربوط شود، تابع سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی است. - احمدی، قاسمی، کاظمی‌پور(۱۳۹۱) به تبیین مساله نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده پرداختند که با استفاده از داده‌های ثانویه همایش جهانی ارزش‌ها و صندوق جمعیت سازمان ملل برای ۵۰ کشور مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه آن شد که ساختار خانواده در کشورها براساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت می‌باشد.

- عباسی شوازی و مک دونالد (۱۳۸۶) به بررسی پویایی و تغییرات خانواده ایرانی در قرن ۲۰ به ویژه بعد از انقلاب اسلامی پرداخته که مطالعه ایشان گویای آمیزه پیچیده‌ای از تغییر و تداوم در درون نهاد خانواده است. براساس این مطالعه، نیروهای ساختی و ایده‌ای هر دو باهم بر تغییرات خانواده تاثیر زیادی داشته است و در کنار آن نیروهای سیاسی نیز در تقویت یا تحدید تغییرات خانواده نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

- سرایی(۱۳۸۵) در تحقیقی با هدف بررسی تغییرات خانواده در بستر گذار جمعیتی به تغییر برخی از عناصر خانواده مانند اشکال و ساختار خانواده، ازدواج، طلاق و رفتار فرزندآوری اشاره می‌کند و جهانی‌شدن را عامل این دگرگونی می‌داند.

- تورن (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای پیرامون گذار خانواده از شکل سنتی به شکل مدرن، به نیروهای موثر در تغییر و یا حفظ الگوهای خانواده پرداخته است. نتیجه آنکه دو نوع نیروی متضاد در رابطه با خانواده عمل می‌کنند. عواملی چون مذهب، خانواده‌گرایی و موقعیت سیاسی که مانع تغییر می‌شوند و در مقابل آن عواملی چون تاثیرات فرهنگ جهانی محرک تغییر هستند. در نتیجه چهره این تغییرات را می‌توان در پدیده‌های ازدواج، طلاق، باروری و صورت بندی‌های جدید خانواده مشاهده کرد.

- هیرشمن و مین(۲۰۰۲) در مطالعه تاثیرات نوسازی بر ساختار خانواده پدر مکانی در کشور ویتنام، به این نتیجه رسیدند که به رغم وجود فرایند نوسازی و شیوع مشاغل غیر کشاورزی و بالارفتن سن ازدواج، الگوی خانواده تغییر محسوسی نکرده است، یعنی سکونت بین نسلی برای جوامع مدرنیزه شده، هنوز کارکرد خود را حفظ کرده است.

تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های معرفی شده را می‌توان اینگونه خلاصه کرد که:

پیشینه‌های مذکور بصورت کوتاه به تحولات کلی در کشور و یا مناطق خاصی از کشور اشاره نمودند، در حالی که این مطالعه سعی دارد تا با بررسی همه استانها به صورت تفکیک شده به صورت دقیق به تحلیل جامع آمارهای ولادت، ازدواج و طلاق هر استان بپردازد و تفاوت روند تغییرات را در استانهای مختلف مورد بررسی قرار دهد، لذا جایگاه استانها به لحاظ ثبت روند تغییرات به وضوح قابل رصد می‌باشد. این پژوهش مطمئناً تصویر روشن‌تری از تغییر ساختار خانواده در استانهای کشور و میزان تغییرات هر کدام ارائه خواهد نمود.

#### مبانی نظری:

در این مقاله، تغییر ساختار خانواده در ایران با بررسی آمارهای ثبت شده ولادت، ازدواج و طلاق در سازمان ثبت احوال کشور مورد بررسی قرار گرفته است و تغییرات حاصله در فراوانی واقعه‌های مورد بررسی براساس دو دیدگاه نظری مورد تحلیل قرار گرفت که در ذیل به این دیدگاه‌ها پرداخته شد.

الف) دیدگاه کلاسیک جمعیت‌شناختی (ب) دیدگاه جهانی شدن

#### الف) دیدگاه کلاسیک جمعیت‌شناختی

با بررسی در میان تحولات جامعه، همیشه رابطه‌ای میان تحولات جمعیتی و تغییرات ساختار جامعه وجود داشته است. گویی انعکاس تحولات ذهن جامعه (نگرش مردم) در عین جامعه (ساختار جمعیتی) خود را به نمایش می‌گذارد. تغییرات ایجاد شده در گذار جمعیتی اول، زمینه لازم را جهت ظهور گذار جمعیتی دوم فراهم کرد. کاهش مرگ و میر در گذار جمعیتی اول باعث تجدید نظر در هنجارها شد، به طوری که شرایط لازم برای استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری و... فراهم شد که به دنبال آن تغییرات جمعیت‌شناختی در خانواده اتفاق افتاد. موضوع محوری در گذار جمعیتی اول بر مبنای تغییر در باروری و مرگ و میر استوار بود، اما در نظریه گذار جمعیتی دوم که لستاق از برجسته‌ترین پیشگامان آن محسوب می‌شود، اساساً معطوف به صنعت و ویژگی‌های خانواده نوین در دهه‌های اخیر است و به همین سبب «گذار خانواده» نیز تلقی شده است. مطابق این نظریه، خانواده و پیوندهای زناشویی در دوره معاصر، بویژه در جوامع صنعتی دست خوش تحولات بنیادین شده است. این تغییرات شامل کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش زندگی‌های بدون ازدواج، تاخیر در

ازدواج و فرزندآوری، کاهش ولادت، افزایش مولید خارج از ازدواج و افزایش طلاق است (هویم و دورا، ۲۰۰۸: ۳).<sup>۱</sup> ون دوکا نیزگذار دوم جمعیتی را ناظر بر تحولات بنیادین خانواده می‌داند که بیش از هر چیز ریشه در «فردگرایی» دارد. در حالی که در گذشته دگرخواهی نقش اصلی را در زندگی خانوادگی ایفا می‌کرد (فروتن، ۱۳۹۲). در جدول ذیل، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی مرتبط با گذار اول و دوم در اروپای غربی آمده است که لسته‌ها و نیلز تفاوت‌های دو گذار جمعیتی را در زمینه‌های ازدواج، باروری و زمینه‌های اجتماعی با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

عنوان	گذار جمعیتی اول	گذار جمعیتی دوم
ازدواج	افزایش نسبت ازدواج کرده‌ها	کاهش نسبت ازدواج کرده‌ها
	کاهش سن ازدواج	افزایش سن اولین ازدواج
	کاهش طلاق و افزایش ازدواج مجدد	افزایش طلاق (طلاق اوایل ازدواج) و کاهش ازدواج مجدد
باروری	کاهش باروری زناشویی از طریق کاهش در سنین بالاتر	کاهش بیشتر باروری از طریق تاخیر در ازدواج
	پایین بودن سن فرزندآوری	افزایش سن فرزندآوری
	کاهش باروری نامشروع	افزایش باروری خارج از ازدواج
	کاهش بی‌فرزندی در بین زوجین	افزایش بی‌فرزندی در بین زوجین
زمینه‌های اجتماعی	اشتغال با هدف نیازهای اساسی مادی: درآمد خانهداری، سلامت، تحصیل، امنیت اجتماعی، ارزش همبستگی اولیه	افزایش نیازهای سطح بالاتر: استقلال فردی، خود شکوفایی، دموکراسی اجتماع محلی
	افزایش عضویت سیاسی، مدنی و شبکه‌های اجتماع محور- تقویت همبستگی اجتماعی	دوری از شبکه‌های اجتماعی و مدنی محور، تغییر سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام اجتماعی
	نظارت هنجاری شدید به وسیله دولت، تکثر اجتماعی و سیاسی	کم‌رنگ شدن دولت، سرپیچی از قدرت و اقتدار، عدم تکثرگرایی سیاسی
	تفکیک نقش‌های جنسیتی، سیاست‌های مبتنی بر خانواده	افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان
	تغییرات منظم دوره زندگی، ازدواج محتاطانه و الگوی واحد در خانواده	انعطاف در سازماندهی چرخه زندگی، شیوه‌های زندگی چند گانه، آینده باز

منبع: (لسته‌ها و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۳۱)

**ب) دیدگاه جهانی شدن**

با گسترده شدن روابط اجتماعی در جامعه انسانی، تغییراتی در ارزشها و نگرش انسان به زندگی رخ داده که سبک زندگی متفاوتی را موجب شده است. در این مطالعه دگرگونی نهاد خانواده مورد بحث قرار گرفته است و یکی از ثنویهای مهمی که می تواند به درک و تفسیر این تحول کمک کند دیدگاه جهانی شدن است، زیرا جهانی شدن گسترش روالها و روابط و آگاهی و سازمان حیات اجتماعی جهانی است (گیدنز، ۱۳۹۵: ۷۶۶). جهانی شدن، ندیدن تفاوت های جامعه انسانی و رسیدن به یک اشتراک جهانی است (عبداللهی، ۱۳۸۹). جهانی شدن ساختار خانواده، فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی در گذشته سایه افکنده بود، از بین می رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲). «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولتها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می گستراند و نظام جدید جهانی را می سازند. همانطور که جهانی شدن را فرایندی می دانند که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیتهای یک بخش از جهان می تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخشهای بسیار دور کره زمین در برداشته باشد» (اسکات، ۱۹۹۳: ۱۳)<sup>۱</sup>. گیدنز معتقد است جهانی شدن مترادف با تشدید روابط اجتماعی است، همان روابطی که موقعیتهای مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می گیرد و بالعکس (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۶). یکی از این نهادها که می توان گفت، مطمئناً از فرایند جهانی شدن تاثیر پذیرفته، خانواده است. تغییر ارزشها در ساختار خانواده با تاثیر جهانی شدن بوسیله شبکه های ارتباطی صورت گرفته که یکی از مظاهر برونمی آن را می توان در تغییر ساختار جمعیتی خانواده مشاهده نمود. یکی از ویژگیهای اصلی جهانی شدن ارتباطات متقابل است، اما برخلاف وابستگی متقابل که بر دو جانبه بودن تأکید دارد، جهانی شدن امکان وابسته شدن را نیز در نظر می آورد (ویلیامز، ۱۳۷۹)<sup>۲</sup>. گیدنز از طریق باز اندیشی مفهوم جهانی شدن و تأکید بر ارکان اصلی مدرنیته اعم از نظام سرمایه داری، صنعتی شدن، قدرت نظامی و نظارت و کنترل، این فرایند را در راستای پروژه ناتمام مدرنیته مورد تحلیل قرار می دهد و از این منظر شکل گیری و تکوین فرایند جهانی شدن را به گذار

1- Scholte

2- williams

کامل از مدرنیته، مشروط و محدود نمی‌گرداند (عبدالهی، ۱۳۸۹). از دیدگاه گیدنز، جهانی‌شدن پدیده‌ای است چند بعدی، که هر یک از ابعاد جهانی‌شدن موجب شده است که نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره انسان به طور اساسی متحول شود. در شرایط جهانی‌شدن، ابعادی در شرایط جدید پدیدار شده است که سطح زندگی روزمره را تغییر داده است. به طور مثال زندگی و هویت زنان در جامعه جدید دچار دگرگونی اساسی گردیده و از چارچوبهای سنتی و بومی محض به درآمده و امکان حیات موثر را در سطح وسیع‌تری بدانها بخشیده است. ارتباط انسانها با فراتر از مرزهای محلی و کنش متقابل آنها با پدیده‌های اجتماعی که فراتر از مکان و سنتهای مکان محورند، امکان نوع جدیدی از زندگی روزمره را به آنها داده که ابعاد جهانی دارند (گیدنز، ۱۹۹۹). از آنجا که نقش زنان به عنوان یک عضو موثر در ساختار خانواده همیشه مورد تاکید بوده است، لذا دگرگونی در هویت زنان می‌تواند به قدری قدرتمند باشد که نه تنها منجر به تغییر در خانواده، بلکه انعکاس این دگرگونی می‌تواند جامعه را نیز دچار تغییر کند. از آنجا که خانواده دقیقترین و شفافترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد، بدرستی باید گفت، خانواده همپای جامعه حرکت می‌کند (لیبی، ۱۳۹۳). این همان نکته حیاتی است که می‌تواند تغییرات جامعه را به دریچه خانواده متصل کند. واحد اصلی جامعه و همچنین منبع اصلی جامعه‌پذیری خانواده است. خانواده نیز تحت تاثیر جهانی‌سازی قرار گرفته است، اگر چه این واقعیت است که فرایندهایی مانند صنعتی‌شدن و نوسازی برساختار خانواده در سالهای اولیه تاثیر گذاشته است، جهانی‌سازی نتیجه تعاملات مختلف اجتماعی و فرهنگی بین توده‌هاست (کومار، ۲۰۱۲).<sup>۱</sup> با تحول در جامعه، خانواده نیز دچار تحول می‌شود. با توجه به این که اجتماعات مختلف به درجات مختلف در معرض تغییر بوده‌اند، خانواده نیز در اجتماعات مختلف باید به درجات مختلف تغییر کرده باشد (سرای، ۱۳۸۵). دگرگونی در خانواده موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیستی تک‌تک انسانها شده است. جهانی‌شدن و تجدد به دلیل واسطه‌هایی، چون سواد، شهرنشینی، میزان مسافرتها خارجی و تکنولوژیهای نوین ارتباطی، تحول را در نهاد خانواده پذیرا می‌کنند و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، الزام اجتماعی کاهش می‌یابد، در نتیجه هنجارهای سنتی نیز به شدت تضعیف می‌شوند (علی احمدی و کریم

سرا، ۱۳۹۲). هائورن در خصوص تاثیر شهرنشینی و تحصیلات بر ساختار خانواده، معتقد است که این درست است که در تمامی جوامع آگاهی از کنترل مولید با شهرنشینی، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط، ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان تاثیر قابل توجهی دارد (لوکاس و میر، ۱۳۸۳: ۱۷).<sup>۱</sup> البته این امر در ایران هم می‌تواند مصداق داشته باشد، زیرا که عباسی شوازی در نتایج تحقیق خود آورده است که زوج‌هایی که در محیط شهر پرورش یافته‌اند، زنانی که از سطح بالاتر تحصیلی برخوردارند و زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، تعداد فرزندان کمتری دارند (عباسی شوازی، ۱۳۸۴: ۶۲). خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی‌شدن دچار تناقضات روز افزون می‌شود (ترنر، ۱۳۸۱: ۲۹۴).<sup>۲</sup> گرنسهایم، معتقد است خانواده در دنیای امروز با چنان تحول عظیمی روبرو شده است که بسیاری از نظریه‌های دهه‌های گذشته را بی‌فایده و بی‌اثر ساخته است (گرنسهایم، ۲۰۱۳). همانطور که در مباحث فوق مطرح شد، جهانی‌شدن می‌تواند یکی از عواملی باشد که منجر به تغییر نقش در خانواده سنتی و تبدیل آن به خانواده مدرن شده است که تغییر ماهیت خانواده در دنیای مدرن به دنبال خود آسیب‌هایی را در پی داشت که برای مقابله درست با آنها باید تغییرات خانواده به طور دقیق بازشناسی و مساله‌یابی شود تا در سیاست‌گذاری‌ها تصمیم‌سازی درست صورت پذیرد.

#### الف) روش تحقیق و داده‌ها:

در این مطالعه بر حسب ضرورت از روش‌های زیر استفاده شده است:

- ۱- روش مطالعه اسنادی: گذشته از منابع و متون نظری استفاده شده، داده‌های ولادت، ازدواج و طلاق از سندهای آماری آرشیو شده در سازمان ثبت احوال کشور و در برخی موارد از آمار نامه‌های مرکز آمار ایران استخراج شده است.
- ۲- از تحلیل ثانویه آمارها بهره گرفته شد. آمارهای آرشیوی در سازمان ثبت احوال کشور تحلیل شدند. جامعه آماری این مقاله، کل کشور انتخاب شده است تا جامعیت و قابلیت تعمیم‌پذیری بالاتری داشته باشد. در این مقاله بازه زمانی ۴۰ ساله در قالب ۴ دوره ده ساله

1- Lucas & Mir

2- Turner

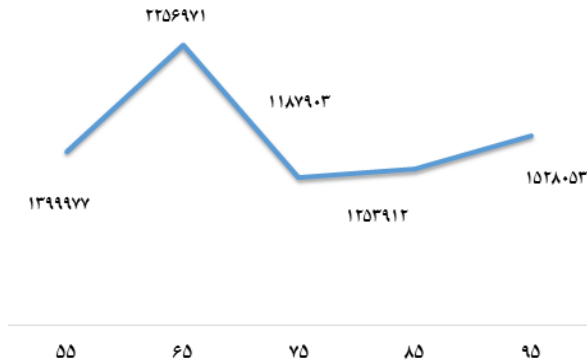
انتخاب شد، تا علاوه بر امکان مقایسه درست تغییرات ایجاد شده در یک بازه زمانی معقول، قابل بررسی باشد. داده‌ها از سال ۱۳۵۵ انتخاب شد تا احتمال کم ثبتي در ثبت رویدادهای ولادت، ازدواج و طلاق به حداقل برسد. در پایان، دلیل انتخاب سه واقعه (ولادت، ازدواج و طلاق) در بررسی تحولات خانواده آن بوده است که نویسندگان، معتقد بودند که این سه رویداد جمعیتی یک جامعه، می‌توانند انعکاسی از ذهنیت نهان مردم همان جامعه باشند.

#### یافته ها

در این مجال، یافته‌های حاصل از بررسی آمارهای ولادت، ازدواج و طلاق در استانهای کشور در سه مبحث ارائه می‌گردد. زاد و ولد یا تولد یک واقعه جمعیت‌شناسی است و از نخستین عوامل حرکت‌های جمعیت است. از این رو، سیاستهای جمعیتی در دنیا به طور عمده حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود. در جدول شماره ۱، درصد تغییرات ۴۰ ساله ولادت کشور از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ نشان داده شده است. همانطور که در نمودار آمده است، طی این ۴۰ سال نوسانات محسوسی در ثبت ولادت رخ داده است.

جدول ۱. بررسی درصد تغییر ولادت در کشور از سال ۱۳۹۵-۱۳۵۵

سالهای مورد مقایسه	درصد تغییر نسبت به ۱۰ سال قبل
۶۵-۵۵	۶۱,۲
۷۵-۶۵	-۴۷,۴
۸۵-۷۵	۵,۶
۹۵-۸۵	۲۱,۹



نمودار ۱: روند فراوانی ثبت ولادت در کشور از سال ۵۵-۹۵

در سال ۱۳۵۵ تعداد ۱۳۹۹۹۷۷ واقعه ولادت در کشور ثبت شده که در سال ۱۳۶۵ ثبت این واقعه حدود ۶۱٫۲ درصد رشد داشته و به عدد ۲۲۵۶۹۷۱ رسید. در دهه دوم مورد بررسی، میزان ولادت‌های ثبت شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۷ درصد کاهش یافته و به ۱۱۸۷۹۰۳ می‌رسد. با کاهش چشمگیر ولادت در دهه سوم، این کاهش با افزایش ۵٫۶ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۵ نمودار ثبت ولادت را از مسیر سرانشیبی خارج نموده و در دهه چهارم با شیب ملایم، ولادت‌ها حدود ۲۲ درصد نسبت به ده سال قبل، روند صعودی را نشان می‌دهد. یافته‌های کلی بررسی فراوانی ثبت ولادت در میان استانها در ۴ دهه مذکور، نشان داد که ۱۰ استان اول به لحاظ فراوانی حدود ۶۰ درصد از ولادت‌های کل کشور را شامل می‌شوند و ۱۰ استان آخر به لحاظ ثبت ولادت در کشور، تنها حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد از موالید کل کشور را ثبت نمودند. استان تهران و خراسان رضوی دو استانی هستند که بالاترین میزان ثبت ولادت کشور را در ۴۰ سال مورد بررسی داشتند و استانهای خراسان جنوبی و خراسان شمالی، استان‌هایی هستند که کمترین ولادت را طی بازه مذکور ثبت کرده‌اند. در ۴ دهه مورد بررسی، استان‌هایی که بیشترین نوسان، در ثبت ولادت داشتند، به ترتیب عبارتند از: سیستان و بلوچستان، قم، آذربایجان غربی و ایلام و کمترین نوسان در ثبت ولادت از آن استان آذربایجان شرقی بوده است. در جداول ذیل استانها براساس بیشترین ثبت ولادت در سال ۱۳۵۵ به ۴ گروه دسته‌بندی شدند، تا بتوان تغییرات ایجاد شده در ۴ دوره ده ساله را در هر استان دقیق‌تر رصد نمود.

گروه اول شامل استانهایی است که بیشترین ثبت ولادت را در سال ۱۳۵۵ داشتند. در گروه اول در میان استانهای با ثبت ولادت بالا، استان تهران همیشه در راس ثبت ولادت قرار داشته است. استانهای تهران، آذربایجان شرقی، خوزستان و فارس، جز در دهه دوم مورد بررسی، همیشه روند مثبتی در ثبت ولادت داشتند. استان گیلان جز در دهه اول، بقیه سالهای مورد بررسی روند منفی در ثبت ولادت را نشان می‌دهد. همین امر مهمترین دلیل در قرار گرفتن این استان در رتبه آخر فراوانی در ثبت ولادت است.

جدول ۲. گروه اول بررسی تغییرات ولادت

رتبه	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۱	تهران	۱۷۵۸۰۰	۲۹۸۴۹۵	۶۹٫۸	۲۹۸۴۹۵	۱۶۱۹۴۷	-۵۳٫۷	۱۶۱۹۴۷	۶٫۵
۲	خراسان رضوی	۱۳۵۰۷۷	۲۴۵۷۹۱	۸۲٫۰	۲۴۵۷۹۱	۱۲۱۵۲۸	-۵۰٫۶	۱۲۱۵۲۸	۳۲٫۷
۳	آذربایجان شرقی	۱۰۷۳۶۹	۱۲۹۰۱۰	۲۰٫۲	۱۲۹۰۱۰	۵۶۸۵۸	-۵۵٫۹	۵۶۸۵۸	۱۱٫۲
۴	خوزستان	۹۱۳۳۳	۱۴۷۰۹۶	۶۱٫۰	۱۴۷۰۹۶	۸۳۰۴۷	-۴۳٫۵	۸۳۰۴۷	۲۵٫۴
۵	فارس	۸۵۳۸۶	۱۵۳۹۵۹	۳۸٫۰	۱۵۳۹۵۹	۷۲۷۰۵	-۵۲٫۸	۷۲۷۰۵	۱۶٫۹
۶	اصفهان	۸۴۳۰۸	۱۳۳۹۵۹	۹۵٫۸	۱۳۳۹۵۹	۵۹۵۷۴	-۵۵٫۵	۵۹۵۷۴	۲۵٫۸
۷	مازندران	۶۵۷۷۴	۹۳۴۳۴	۱/۴۲	۹۳۴۳۴	۴۳۸۶۰	-۵۳٫۱	۴۳۸۶۰	۸٫۸
۸	گیلان	۶۰۳۶۶	۷۸۸۲۹	۶/۳۰	۷۸۸۲۹	۳۶۴۰۷	-۵۳٫۸	۳۶۴۰۷	-۴٫۲

در گروه دوم مربوط به استانهایی است که به لحاظ فراوانی ثبت ولادت در سال ۱۳۵۵ در جایگاه بعدی قرار می گیرند. در میان استانهای گروه دوم، تنها استان کرمان است که جز در دهه دوم، در سه دهه دیگر روند افزایشی در ثبت ولادت دارد. استان کرمانشاه هم تنها استانی است که جز در دهه اول، بقیه سالهای مورد بررسی، روند کاهشی ولادت، تداوم داشته است.

جدول ۳. گروه دوم بررسی تغییرات ولادت

درصد تغییر ۸۵-۹۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	استانها	ردیف
۲۰,۶	۶۳۳۱۶	۵۲۵۱۵	۹,۳	۵۲۵۱۵	۴۸۰۲۹	-۴۱,۳	۴۸۰۲۹	۸۱۷۹۸	۵۶,۷	۸۱۷۹۸	۵۲۲۰۲	کرمان	۹
۱۶,۵	۶۷۴۴۹	۵۷۸۷۲	-۲۳,۲	۵۷۸۷۲	۷۵۳۶۶	-۱۷,۷	۷۵۳۶۶	۹۱۵۳۷	۸۰,۵	۹۱۵۳۷	۵۰۷۰۸	آذربایجان غربی	۱۰
-۱,۸	۳۴۴۶۱	۳۵۰۸۹	-۱۴,۱	۳۵۰۸۹	۴۰۸۵۶	-۳۵,۳	۴۰۸۵۶	۶۳۱۸۹	۳۰,۰	۶۳۱۸۹	۴۸۶۱۴	کرمانشاه	۱۱
۹,۹	۳۶۵۸۵	۳۳۲۸۴	-۱۰,۱	۳۳۲۸۴	۳۷۰۰۶	-۴۶,۵	۳۷۰۰۶	۶۹۱۳۵	۴۷,۶	۶۹۱۳۵	۴۶۸۵۴	لرستان	۱۲
۱۹,۰	۳۳۱۹۵	۲۷۹۰۱	-۱۱,۹	۲۷۹۰۱	۳۱۶۷۹	-۵۲,۶	۳۱۶۷۹	۶۶۸۶۹	۵۹,۱	۶۶۸۶۹	۴۲۰۲۷	همدان	۱۳
۱۴,۸	۲۴۷۴۷	۲۱۵۶۳	-۶,۶	۲۱۵۶۳	۲۳۰۷۹	-۵۸,۴	۲۳۰۷۹	۵۵۴۷۷	۳۶,۱	۵۵۴۷۷	۴۰۷۵۵	اردبیل	۱۴
۱۷,۲	۳۰۰۷۵	۲۵۶۷۱	-۱۴,۴	۲۵۶۷۱	۲۹۳۱۶	-۵۰,۳	۲۹۳۱۶	۵۹۶۶۲	۷۰,۷	۵۹۶۶۲	۳۴۴۵۱	کردستان	۱۵
۲۳,۳	۴۱۴۹۳	۳۳۶۶۲	-۴,۱	۳۳۶۶۲	۳۵۰۸۵	-۳۷,۰	۳۵۰۸۵	۵۵۶۷۰	۶۵,۳	۵۵۶۷۰	۳۶۶۷۱	گلستان	۱۶

در گروه سوم نیز سیستان و بلوچستان، قزوین، هرمزگان، یزد و استان بوشهر استانی هستند که جز دهه دوم، در مابقی سالهای مورد بررسی روند مثبت ولادتشان مثبت بوده است و گروه چهارم شامل استانهایی است که کمترین میزان ثبت ولادت را در سال ۱۳۵۵ داشتند. در این بین خراسان شمالی، خراسان جنوبی و استان البرز استانی هستند که در سال ۱۳۵۵ وجود نداشتند، لذا فاقد فراوانی در ثبت ولادت بصورت مجزا بوده و ولادتهایشان در استانهای همجوار ثبت می شده است. از مابقی استانها، استانهای قم، ایلام و سمنان جز در دهه دوم، روند مثبت ولادت شان افزایشی بوده است.

جدول ۴. گروه سوم بررسی تغییرات ولادت

ردیف	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۱۷	سیستان و بلوچستان	۳۳۳۲۹	۸۸۲۰۴	۱۶۴٫۶	۵۳۱۵۰	۷۴۶۴۳	۴۰٫۴	۹۶۹۱۸	۲۹٫۸
۱۸	مرکزی	۲۹۴۶۵	۴۴۰۷۳	۴۹٫۶	۲۰۸۷۱	۱۹۹۸۸	-۴٫۲	۲۱۹۴۶	۹٫۸
۱۹	زنجان	۲۸۸۲۸	۳۷۸۰۸	۳۱٫۲	۱۸۰۱۸	۱۷۰۶۷	-۵٫۳	۲۰۵۳۴	۲۰٫۳
۲۰	قزوین	۲۴۶۰۰	۳۶۱۷۸	۴۷٫۱	۱۷۴۲۴	۱۹۰۰۷	۹٫۱	۲۱۴۷۹	۱۳٫۰
۲۱	هرمزگان	۲۲۴۸۵	۴۵۹۱۷	۱۰۴٫۵	۲۹۵۸۰	۳۰۴۷۴	۳٫۰	۴۲۹۰۰	۴۰٫۸
۲۲	چهارمحال و بختیاری	۲۱۸۹۸	۳۳۹۵۱	۵۵٫۰	۱۸۹۳۵	۱۷۹۵۲	-۵٫۲	۲۱۳۸۸	۱۹٫۱
۲۳	یزد	۱۸۱۶۸	۲۹۰۰۳	۵۹٫۶	۱۲۵۵۵	۱۷۹۰۴	۴۲٫۶	۲۵۴۷۹	۴۲٫۳
۲۴	بوشهر	۱۷۵۲۲	۳۰۰۸۷	۷۱٫۷	۱۳۸۹۷	۱۷۸۰۷	۲۸٫۱	۲۲۸۳۲	۲۸٫۲

جدول ۵. گروه چهارم بررسی تغییرات ولادت

ردیف	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۲۵	تهران و بوی اجمد	۳۳۳۳۱	۲۶۱۵۰	۳۵۸۱۱	۳۷٫۴-	۲۸۳۸۲	۱۶۳۱۲	۱۹٫۲	۱۳۶۸۲	۱۳۹۵	۱۶۳۱۲
۲۶	قم	۳۵۷۴۵	۲۶۶۸۰	۱۵۳۲۰	۴۲٫۶-	۱۸۰۸۰	۲۶۴۴۵	۴۶٫۳	۱۸۰۸۰	۱۳۹۵	۲۶۴۴۵
۲۷	ایلام	۱۱۷۷۲	۲۰۰۳۸	۹۶۷۲	۱۰۷٫۷-	۹۹۷۴	۱۰۶۳۱	۶٫۶	۹۹۷۴	۱۳۹۵	۱۰۶۳۱
۲۸	سمنان	۱۰۰۸۳	۱۵۶۱۸	۸۳۸۵	۴۶٫۳-	۸۷۸۰	۱۰۵۱۱	۱۹٫۷	۸۷۸۰	۱۳۹۵	۱۰۵۱۱
۲۹	خراسان شمالی					۱۷۷۵۰	۱۹۱۹۸	۸٫۲	۱۷۷۵۰	۱۳۹۵	۱۹۱۹۸
۳۰	خراسان جنوبی					۱۳۰۳۷	۱۳۰۳۷	۴۰٫۶	۱۳۰۳۷	۱۳۹۵	۱۳۰۳۷
۳۱	البرز						۴۰۲۱۶			۱۳۹۵	۴۰۲۱۶

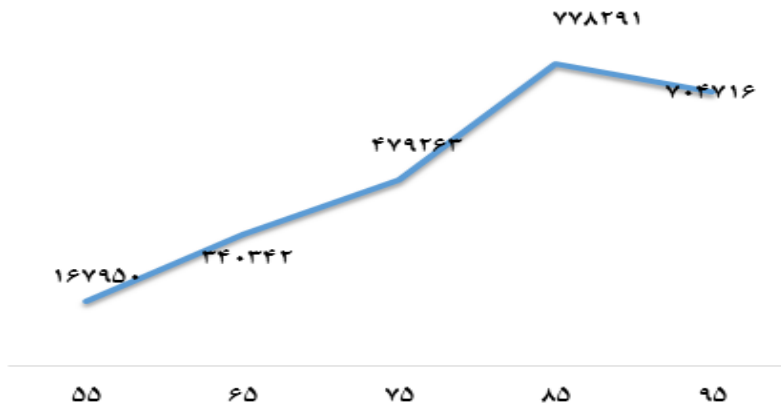
### ازدواج

در جدول شماره ۳ تغییرات ۱۰ ساله ثبت ازدواج در کشور نشان داده شده است. در سال ۱۳۵۵ تعداد ۱۶۷۹۵۰ واقعه ازدواج در کشور ثبت شده که در سال ۱۳۶۵ ثبت این واقعه حدود ۱۰۲٫۶ درصد رشد داشته و به عدد ۳۴۰۳۴۲ واقعه رسید. در دهه دوم میزان ازدواج های ثبت شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۰٫۸ درصد رشد داشته و تعداد ۴۷۹۲۶۳ واقعه ازدواج به ثبت رسید. نمودار ثبت ازدواج در کشور در دهه سوم با افزایش ۶۲٫۴ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۵ شیب صعودی پیدا کرد تا دهه چهارم که توقفی در روند صعودی ازدواج رخ داد و

نمودار، تغییر جهت داده، به طوریکه در سال ۱۳۹۵ در قیاس با ده سال قبل خود، کاهش ۹،۵ درصدی در ازدواج بوجود آمد. نمودار شماره ۲ کاملاً گویای روند رخ داده در ثبت ازدواج در ۴ دوره ۱۰ ساله است.

جدول ۶. بررسی درصد تغییر ازدواج در کشور از سال ۵۵-۹۵

سالهای مورد مقایسه	درصد تغییر نسبت به ۱۰ سال قبل
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۱۰۲,۶
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۴۰,۸
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۶۲,۴
۱۳۸۵-۱۳۹۵	-۹,۵



نمودار ۲. فراوانی ثبت ازدواج در کشور از سال ۵۵-۹۵

یافته‌های کلی بررسی فراوانی ازدواج‌های ثبت شده در میان استانها در ۴ دهه مذکور، نشان داد که: ۱۰ استان اول به لحاظ فراوانی حدود ۶۷ درصد از ازدواج‌های کل کشور را شامل می‌شوند و ۱۰ استان آخر به لحاظ ثبت ازدواج‌های در کشور حدود ۱۱,۴ درصد از ازدواج‌های کل کشور را ثبت می‌کنند. استان تهران و خراسان رضوی دو استانی هستند که بالاترین میزان ثبت ازدواج را در این ۴۰ سال در کشور داشتند. خراسان جنوبی و ایلام، استانهایی هستند که کمترین ازدواج را در بازه مذکور ثبت کرده‌اند. بررسی فراوانی ازدواج‌ها نشان می‌دهد، که

همه استانها در سه دهه اول روند صعودی و اکثر استانها در دهه چهارم، کاهش جدی در ثبت ازدواج را تجربه کرده‌اند. در ادامه استانها براساس بیشترین ازدواج‌هایی که در سال ۱۳۵۵ ثبت نمودند، جدول‌بندی و به ۴ گروه دسته‌بندی شدند که به شرح آنها پرداخته خواهد شد. گروه اول، شامل استانهایی است که بیشترین ازدواج را در سال ۱۳۵۵ ثبت کردند. درگروه اول، استان تهران همیشه در راس ثبت ازدواج قرار داشته است. بالاترین درصد تغییرات در ثبت ازدواج، مربوط به استانهای خراسان رضوی با درصد تغییر مثبت ۱۹۲٫۱ و مازندران با ۱۱۹٫۶ رشد در مقایسه سالهای ۱۳۶۵ با ۱۳۵۵ است. همانطور که در جدول گروه اول نشان داده شده است، همه استانها در سه دهه اول روند افزایشی در ثبت ازدواج را نشان می‌دهند، اما در دهه چهارم به جز خوزستان، بقیه استانها رشد منفی در ثبت ازدواج داشتند.

جدول ۷. گروه اول بررسی تغییرات ازدواج

ردیف	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۶۵-۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۱	تهران	۳۰۸۸۳	۵۳۸۱۳	۷۴٫۲	۵۳۸۱۳	۷۸۲۷۰	۴۵٫۴	۷۸۲۷۰	-۱۵٫۱
۲	خراسان رضوی	۱۳۴۲۶	۳۹۲۲۴	۱۹۲٫۱	۳۹۲۲۴	۵۳۵۷۹	۳۶٫۶	۵۳۵۷۹	-۱۶٫۹
۳	خوزستان	۱۳۱۵۶	۱۵۳۳۰	۱۶٫۵	۱۵۳۳۰	۲۵۲۸۲	۶۴٫۹	۲۵۲۸۲	۴٫۱
۴	تبریز آذربایجان شرقی	۱۲۸۱۲	۲۲۲۰۸	۷۳٫۳	۲۲۲۰۸	۳۰۳۲۰	۳۶٫۵	۳۰۳۲۰	-۱۷٫۷
۵	گیلان	۱۱۵۱۴	۱۷۹۳۲	۵۵٫۷	۱۷۹۳۲	۲۱۸۰۴	۲۱٫۶	۲۱۸۰۴	-۲۲٫۶
۶	مازندران	۸۴۷۴	۱۸۶۱۲	۱۱۹٫۶	۱۸۶۱۲	۲۳۷۱۷	۲۷٫۴	۲۳۷۱۷	-۲۵٫۶
۷	کرمان	۸۲۹۶	۱۲۳۶۹	۴۷٫۹	۱۲۳۶۹	۱۵۸۲۱	۲۹٫۰	۱۵۸۲۱	-۱۲٫۲
۸	تهران آذربایجان غربی	۸۰۰۳	۱۴۸۸۵	۸۶٫۰	۱۴۸۸۵	۱۹۹۹۵	۳۴٫۳	۱۹۹۹۵	-۴٫۴

در گروه دوم، همه استانها در دهه‌های اول تا سوم روند رو به رشد در ازدواج داشته‌اند، اما در

دهه چهارم، بدون استثناء همه در ثبت ازدواج روند نزولی را تجربه کرده‌اند.

جدول ۸. گروه دوم بررسی تغییرات ازدواج

ردیف	استانها	۱۳۵۰	۱۳۳۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۰	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۰	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۹	اصفهان	۷۸۷۵	۲۰۶۳۷	۱۶۲,۱	۳۴۲۸۶	۲۰۶۳۷	۶۶,۱	۴۷۳۴۱	۳۴۲۸۶	۳۸,۱	۴۷۳۴۱	۳۷۶۲۸	-۲۰,۵
۱۰	فارس	۶۴۹۸	۱۷۰۴۴	۱۶۲,۳	۲۸۸۵۶	۱۷۰۴۴	۶۹,۳	۵۰۴۵۳	۲۸۸۵۶	۷۴,۸	۵۰۴۵۳	۴۲۷۷۷	-۱۵,۲
۱۱	همدان	۵۹۱۹	۱۰۵۰۳	۷۷,۴	۱۶۶۲۱	۱۰۵۰۳	۳۹,۲	۲۱۵۳۵	۱۶۶۲۱	۴۷,۳	۲۱۵۳۵	۱۷۰۳۶	-۲۰,۹
۱۲	کرمانشاه	۵۵۰۰	۹۲۱۴	۶۷,۲	۱۴۳۴۱	۹۲۱۴	۵۴,۶	۲۱۸۹۲	۱۴۳۴۱	۵۳,۷	۲۱۸۹۲	۱۹۹۱۳	-۹,۰
۱۳	کردستان	۴۴۳۳	۸۲۲۷	۸۵,۶	۱۰۹۷۲	۸۲۲۷	۳۳,۴	۱۷۷۳۴	۱۰۹۷۲	۶۱,۶	۱۷۷۳۴	۱۷۰۱۲	-۴,۱
۱۴	چوکری	۴۲۵۰	۷۲۱۵	۶۹,۸	۱۰۸۲۵	۷۲۱۵	۵۰,۲	۱۴۵۳۵	۱۰۸۲۵	۳۴,۱	۱۴۵۳۵	۱۱۰۳۹	-۲۴,۱
۱۵	اردبیل	۳۳۰۶	۷۶۰۹	۱۳۰,۲	۱۰۱۲۳	۷۶۰۹	۳۳,۰	۱۶۱۲۰	۱۰۱۲۳	۵۹,۲	۱۶۱۲۰	۱۳۸۳۳	-۱۴,۲
۱۶	قزوین	۳۰۸۱	۵۶۹۴	۸۴,۸	۷۸۴۲	۵۶۹۴	۳۷,۷	۱۲۵۷۸	۷۸۴۲	۶۰,۴	۱۲۵۷۸	۱۰۲۲۰	-۱۸,۳

در جدول ازدواج گروه سوم، استان گلستان تغییرات قابل توجهی را نشان می‌دهد، به طوری که در دهه اول در ثبت ازدواج حدود ۳۲۷ رشد داشته و در دهه دوم از روند افزایشی آن به شدت کاسته شده و به رشد ۷,۹ درصدی می‌رسد، سپس در دهه سوم مجدداً رشد ۱۱۷,۷ درصدی را تجربه می‌کند و در نهایت در دهه چهارم مثل سایر استانها در مسیر سراسیمی ثبت ازدواج قرار می‌گیرد.

جدول ۹. گروه سوم بررسی تغییرات ازدواج

ردیف	استانها	۱۳۵۵	۱۳۳۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۱۸	استان	۲۴۴۱	۳۳۸۴	۳۸,۶	۳۹۷۹	۳۳۸۴	۱۷,۶	۳۹۷۹	۵۴۳۶	۲۱,۰
۱۹	یزد	۲۴۲۳	۴۴۱۰	۸۲,۰	۶۸۹	۴۴۱۰	۳,۳	۶۸۹	۳۳۳۱۱	۲۵,۲
۲۰	زنجان	۲۱۱۲	۶۲۵۵	۱۹۶,۲	۷۲۹۳	۶۲۵۵	۱۶,۶	۷۲۹۳	۹۱۳۱۱	۱۱,۴
۲۱	گلستان	۲۱۰۸	۸۹۹۹	۳۲۶,۹	۹۷۰۷	۸۹۹۹	۷,۹	۹۷۰۷	۲۱۱۲۸	۱۱,۹
۲۲	چهار محال و بختیاری	۱۸۸۴	۴۶۸۱	۱۴۸,۵	۶۶۴	۴۶۸۱	۴۱,۹	۶۶۴	۱۰۴۰۱	۵,۰
۲۳	پوشور	۱۵۷۳	۴۰۲۳	۱۵۵,۸	۵۰۴۵	۴۰۲۳	۲۵,۴	۵۰۴۵	۹۶۶۷	۱۱,۹
۲۴	خ	۱۳۳۳	۳۷۷۸	۱۸۳,۴	۷۳۰۳	۳۷۷۸	۹۳,۳	۷۳۰۳	۱۲۱۰۵	۱۵,۷

گروه چهارم مربوط به رصد استانهایی است که کمترین میزان ازدواج را در سال ۱۳۵۵ ثبت کردند. تفاوتی که در این گروه نسبت به گروه‌های دیگر وجود دارد آنست که برعکس سایر استانها که در دهه چهارم روند کاهشی در ثبت ازدواج داشته‌اند. استان سیستان و بلوچستان، ایلام، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد مانند استان خوزستان در دهه چهارم نیز در ثبت ازدواج رشد را نشان می‌دهند.

جدول ۱۰. گروه چهارم بررسی تغییرات ازدواج

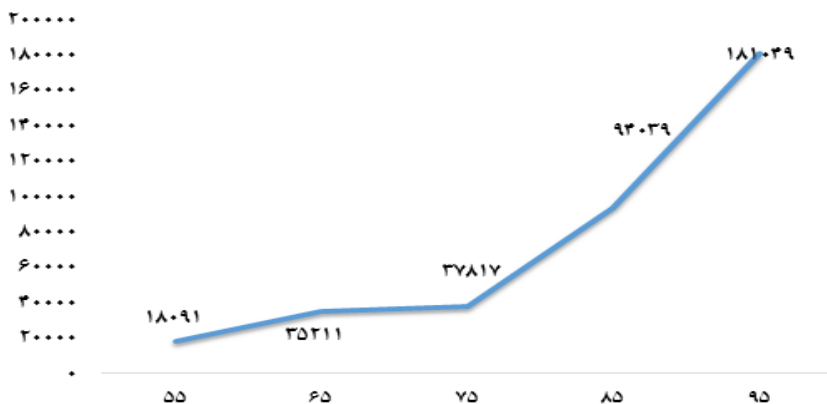
درصد تغییر ۸۵-۹۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	استانها	ردیف
۴۳,۴	۲۸۴۲۳	۱۹۸۲۳	۱۵۷,۱	۱۹۸۲۳	۷۷۰,۹	۲۸,۰	۷۷۰,۹	۶۰,۲۲	۴۰,۶,۵	۶۰,۲۲	۱۱۸۹	سیستان و بلوچستان	۲۵
۱۴,۰	۶۰,۶۰	۵۳۱۵	۱۰۰,۴	۵۳۱۵	۳۶۵۲	۴۰,۳	۳۶۵۲	۱۸۹۰	۶۱,۸	۱۸۹۰	۱۱۶۸	ایلام	۲۶
۳,۳	۱۵۷۶۳	۱۵۲۶۲	۱۲۰,۹	۱۵۲۶۲	۶۹۱۰	۲۶,۴	۶۹۱۰	۵۴۵۵	۳۸۲,۸	۵۴۶۵	۱۱۳۲	هرمزگان	۲۷
۱۲,۷	۷۹۱۹	۷۰۲۴	۱۳۷,۶	۷۰۲۴	۲۹۵۶	۱۲,۴	۲۹۵۶	۲۶۳۰	۴۲۶,۰	۲۶۳۰	۵۰۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۸
-۱۱,۰	۹۶۹۴	۱۰۸۹۲		۱۰۸۹۲								خراسان شمالی	۲۹
-۲,۰	۷۳۵۰	۷۵۰۲		۷۵۰۲								خراسان جنوبی	۳۰
	۱۸۴۱۸											البرز	۳۱

## طلاق

در جدول شماره ۴، درصد تغییرات ۴ دوره ۱۰ ساله ثبت طلاق را در کشور می‌دهد. در سال ۱۳۵۵ تعداد ۱۸۰۹۱ واقعه طلاق در کشور ثبت شده که در سال ۱۳۶۵ ثبت این واقعه حدود ۹۴,۶ درصد رشد داشته و به عدد ۳۵۲۱۱ واقعه رسید. در دهه دوم مورد بررسی (۱۳۷۵-۱۳۶۵) میزان طلاقهای ثبت شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۷,۴ درصد افزایش در ثبت این واقعه را نشان می‌دهد که به ۳۷۸۱۷ واقعه رسید. در دهه سوم با روند بی‌سابقه طلاق در میان دوره‌های مورد بررسی روبرو شدیم، به طوری که در سال ۱۳۸۵ در قیاس با ده سال قبل از خود، افزایشی حدود ۱۴۹ درصدی را نشان می‌دهد. افزایش طلاق در دهه چهارم نیز با رشد ۹۲,۵ درصد ادامه می‌یابد، به طوری که در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۸۱۰۴۹ واقعه طلاق در کشور به ثبت می‌رسد. نمودار شماره ۳ روند صعودی رشد طلاق را در کشور نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. درصد تغییر طلاق در کشور سال ۱۳۹۵-۱۳۵۵

سالهای مورد مقایسه	درصد تغییر نسبت به ۱۰ سال قبل
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۹۴,۶
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۷,۴
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۴۸,۷
۱۳۸۵-۱۳۹۵	۹۲,۵



نمودار ۳. فراوانی ثبت طلاق در کشور از سال ۹۵-۵۵

یافته‌های کلی بررسی فراوانی طلاق‌های ثبت شده در میان استانها در ۴ دهه مذکور، نشان داد که: استان تهران در هر ۴ دوره ۱۰ ساله بیشترین طلاق را در کشور ثبت کرده است. استان کهگیلویه و بویراحمد در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۵۵ استان ایلام در ۱۳۸۵، ۱۳۹۵ و ۱۳۷۵ کمترین فراوانی طلاق را به ثبت رساندند. ۱۰ استان اول به لحاظ فراوانی در ثبت طلاق حدود ۷۴,۱ درصد از طلاق‌های کشور را شامل می‌شوند و ۱۰ استان آخر نیز حدود ۷,۴ درصد از کل طلاق‌های کشور را شکل می‌دهند. در سال ۱۳۵۵ کهگیلویه و بویراحمد با ۴۲۶ درصد و در سال ۱۳۶۵ استان قم با ۹۳ درصد و سیستان و بلوچستان به ترتیب در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ بیشترین درصد تغییر را در قیاس با ۱۰ سال قبل از خود تجربه کرده‌اند. در جداول ذیل استانها براساس بیشترین طلاقهایی که در سال ۱۳۵۵ ثبت نمودند، جهت رصد تغییرات به ۴ گروه دسته‌بندی شدند.

گروه اول شامل استانهایی است که بیشترین طلاق را در سال ۱۳۵۵ ثبت کردند. در گروه اول استان تهران همیشه در راس ثبت طلاق قرار داشته است و در ۴ دهه مورد بررسی همواره روند روبه رشدی در طلاق داشته است. همانطور که در جدول گروه اول نشان داده شده است، همه استانها در دهه اول، سوم و چهارم روند افزایشی در ثبت طلاق داشتند، اما در دهه دوم استانهای آذربایجان شرقی، کرمانشاه و کرمان نسبت به ده سال قبل از خود طلاق کمتری ثبت کرده‌اند.

جدول ۱۲. گروه اول بررسی تغییرات طلاق

ردیف	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
۱	تهران	۴۶۷۱	۹۷۱۵	۱۰۸٫۰	۹۷۱۵	۱۰۹۷۷	۱۳٫۰	۱۰۹۷۷	۵۹٫۲
۲	آذربایجان شرقی	۱۷۳۹	۲۱۴۲	۲۳٫۲	۲۱۴۲	۱۷۰۹	-۲۰٫۲	۱۷۰۹	۱۲۸٫۱
۳	خراسان رضوی	۱۶۵۳	۳۶۵۲	۱۲۰٫۹	۳۶۵۲	۴۲۳۶	۱۶٫۰	۴۲۳۶	۷۸٫۹
۴	خوزستان	۱۵۱۳	۱۵۹۰	۵٫۱	۱۵۹۰	۱۸۱۵	۱۴٫۲	۱۸۱۵	۱۰۴٫۵
۵	آذربایجان غربی	۱۱۸۰	۱۴۶۶	۲۴٫۲	۱۴۶۶	۱۵۳۴	۴٫۶	۱۵۳۴	۹۴٫۸
۶	کرمانشاه	۸۱۹	۱۶۳۹	۱۰۰٫۱	۱۶۳۹	۱۵۶۶	-۴٫۵	۱۵۶۶	۴۹٫۵
۷	کرمان	۳۶۴	۱۰۰۹	۳۲٫۱	۱۰۰۹	۹۸۵	-۲٫۴	۹۸۵	۱۰۱٫۵
۸	گیلان	۶۷۹	۱۲۸۷	۸۹٫۵	۱۲۸۷	۱۷۴۲	۳۵٫۴	۱۷۴۲	۱۱۸٫۴

گروه دوم، مربوط به استانهایی است که به لحاظ فراوانی طلاقهای ثبت شده در سال ۱۳۵۵ در جایگاه دوم قرار گرفتند. در این گروه استانهای کردستان، مازندران، اصفهان، فارس و اردبیل همواره روند افزایشی در ثبت طلاق داشته‌اند.

جدول ۱۳. گروه دوم بررسی تغییرات طلاق

درصد تغییر ۸۵-۹۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	استانها	رتبه
۶۵٫۴	۴۰۰۰	۴۴۱۹	۱۳۸٫۱	۴۴۱۹	۱۰۱۶	-۲۵٫۹	۱۰۱۶	۱۳۷۲	۱۰۲٫۱	۱۳۷۲	۶۷۹	همدان	۹
۵۹٫۴	۴۰۸۰	۳۵۶۰	۱۴۷٫۱	۳۵۶۰	۱۰۳۶	۸٫۳	۱۰۳۶	۹۵۷	۵۱٫۴	۹۵۷	۶۳۲	کردستان	۱۰
۹۸٫۴	۸۱۸۲	۴۱۲۳	۱۶۶٫۹	۴۱۲۳	۱۵۴۵	۱۸۰٫۰	۱۵۴۵	۱۳۰۹	۱۲۱٫۱	۱۳۰۹	۵۹۲	مازندران	۱۱
۹۱٫۷	۳۳۳۸	۱۸۹۸	۱۱۹٫۴	۱۸۹۸	۸۶۵	-۳٫۲	۸۶۵	۸۹۴	۹۶٫۹	۸۹۴	۴۵۴	لرستان	۱۲
۸۲٫۰	۱۱۰۶۱	۶۰۷۹	۱۶۶٫۰	۶۰۷۹	۲۲۸۵	۵۱٫۱	۲۲۸۵	۱۵۱۲	۲۶۰٫۰	۱۵۱۲	۴۲۰	اصفهان	۱۳
۶۳٫۸	۹۳۴۰	۵۷۰۱	۱۸۹٫۵	۵۷۰۱	۱۹۶۹	۴۱٫۵	۱۹۶۹	۱۳۹۲	۲۹۲٫۱	۱۳۹۲	۳۵۵	فارس	۱۴
۱۲۵٫۹	۳۲۷۶	۱۴۵۰	۲۱۸٫۷	۱۴۵۰	۴۵۵	۴٫۴	۴۵۵	۴۳۶	۵۶٫۸	۴۳۶	۲۷۸	اردبیل	۱۵
۷۰٫۲	۳۲۲۵	۱۸۹۵	۳۳۳٫۶	۱۸۹۵	۴۳۷	-۳۱٫۳	۴۳۷	۶۳۶	۱۵۹٫۶	۶۳۶	۲۴۵	چوکری	۱۶

در جدول طلاق گروه سوم، استان هرمزگان تغییرات قابل توجهی در ثبت طلاق دارد. به طوریکه در دهه اول حدود ۲۸۷،۹ درصد رشد داشته و در دهه دوم از روند افزایشی آن به شدت کاسته شده و به کاهش ۴۶،۹- درصدی رسیده و مجدداً در دهه سوم ۲۳۸ درصد در ثبت طلاق صعود می‌کند و در دهه چهارم با ادامه روند رو به رشد خود ۱۲۷ درصد نسبت به سال ۱۳۸۵ طلاق بیشتری ثبت می‌کند. استانهای قم، قزوین و سمنان در هر چهار دهه، روند افزایشی در ثبت طلاق داشتند و در گروه چهارم نیز استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد همواره روند روبه رشدی در ثبت طلاق داشتند.

جدول ۱۴. گروه سوم بررسی تغییرات طلاق

گروه دوم طلاق	استانها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۷۵-۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۴۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۷۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۷۵
۱۷	هرمزگان	۱۹۸	۷۶۸	۲۸۷،۹	۷۶۸	۴۰۸	-۴۶،۹	۱۳۷۹	۲۳۸،۰	۱۳۷۹	۳۱۳۰	۱۲۷،۰
۱۸	زنجان	۱۹۶	۵۴۰	۱۷۵،۵	۵۴۰	۴۸۱	-۱۰،۹	۱۱۱۶	۱۳۲،۰	۱۱۱۶	۲۴۲۱	۱۱۶،۹
۱۹	قم	۷۸۱	۷۵۳	۶۴۳،۶	۷۵۳	۴۹۰	۷،۰	۷۷۸	۲۶۲،۹	۷۷۸	۳۵۲۴	۹۸،۲
۲۰	قزوین	۱۷۸	۳۹۳	۱۲۰،۸	۳۹۳	۴۶۱	۱۷،۳	۱۲۰۱	۱۶۰،۵	۱۲۰۱	۲۸۸۰	۱۳۹،۸
۲۱	سیستان و بلوچستان	۱۲۲	۴۳۴	۲۵۵،۷	۴۳۴	۲۵۹	-۴۰،۳	۶۸۹	۲۴۳،۲	۶۸۹	۱۸۰۵	۱۰۳،۰
۲۲	بوشر	۱۰۹	۱۱۳	۲۷۷،۱	۱۱۳	۴۱۱	-۲۲،۹	۳۱۷	۳۰۷،۶	۳۱۷	۲۰۳۳	۵۷،۴
۲۳	سمنان	۱۰۹	۱۶۶	۵۲،۳	۱۶۶	۲۰۲	۲۱،۷	۲۰۲	۱۵۶،۴	۲۰۲	۹۲۰	۷۷،۶
۲۴	چهارمحال و بختیاری	۹۹	۳۴۴	۱۴۶،۵	۳۴۴	۳۵۱	-۳۶،۹	۳۵۱	۲۲۶،۶	۳۵۱	۱۳۱۳	۱۶۱،۰

جدول ۱۵. گروه چهارم بررسی تغییرات طلاق

درصد تغییر ۸۵-۹۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۷۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۵۵-۶۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	استانها	ردیف
۱۴۹,۸	۳۷۴۵	۱۴۹۹	۲۳۹,۹	۱۴۹۹	۴۴۱	۲,۲-	۴۴۱	۴۵۱	۳۶۹,۸	۴۵۱	۹۶	گلستان	۲۵
۳۵۹,۰	۸۲۲	۲۲۹	۱۷۵,۹	۲۲۹	۸۳	۹,۸-	۸۳	۹۲	۵۳,۳	۹۲	۶۰	ایلام	۲۶
۱۸۷,۹	۱۶۳۸	۵۶۹	۱۵۶,۳	۵۶۹	۲۲۲	۳,۲	۲۲۲	۱۶۳	۲۸۸,۱	۱۶۳	۴۲	یزد	۲۷
۲۲۴,۷	۱۷۵۰	۵۳۹	۳۲۴,۴	۵۳۹	۱۲۷	۵۳,۰	۱۲۷	۸۳	۲۹۵,۲	۸۳	۲۱	بوشهر احمد کهگیلویه و	۲۸
۱۲۲,۱	۱۹۴۸	۸۷۷		۸۷۷								خراسان شمالی	۲۹
۱۲۹,۱	۱۱۹۶	۵۲۲		۵۲۲								خراسان جنوبی	۳۰
	۷۱۱۴											البرز	۳۱

جدول ۱۶. بررسی کلی نرخهای ولادت، ازدواج، طلاق استانها در طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۵۵

استانها	ولادت					ازدواج					طلاق				
	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
آب تکلیف	۴۱.۵	۴۵.۶	۱۹.۸	۱۷.۸	۱۹.۱	۵.۰	۴.۹	۸.۰	۱۱.۰	۸.۸	-۵.۰	-۷.۰	-۶.۰	۱.۳	۱.۳
آذربایجان شرقی	۲۹.۲	۲۹.۳	۱۷.۱	۱۷.۳	۱۷.۸	۳.۵	۵.۳	۹.۱	۱۳.۰	۹.۱	-۵.۰	-۵.۰	-۵.۰	۲.۳	۱.۱
آذربایجان غربی	۲۵.۳	۴۴.۳	۳۰.۳	۳۰.۳	۲۰.۷	۵.۳	۷.۵	۸.۰	۱۳.۱	۱۳.۱	-۸.۰	-۷.۰	-۶.۰	۲.۰	۱.۳
اردبیل	-	-	۱۹.۸	۱۷.۶	۱۹.۵	-	-	۸.۷	۱۳.۱	۱۳.۱	-	-	-	۲.۶	۱.۳
اصفهان	۴۰.۵	۴۰.۷	۱۵.۳	۱۳.۶	۱۳.۶	۳.۸	۴.۳	۸.۷	۱۰.۳	۱۰.۳	-۳.۸	-۵.۰	-۶.۰	۲.۳	۱.۳
ایلام	-	-	-	-	۱۳.۸	-	-	-	-	-	-	-	-	۲.۶	-
ایلام	۵۰.۳	۵۳.۶	۱۹.۸	۱۸.۳	۱۸.۳	۵.۰	۴.۹	۵.۳	۹.۷	۹.۷	-۳.۶	-۳.۰	-۳.۰	۱.۳	۱.۳
بوشهر	۵۳.۸	۴۹.۱	۱۸.۷	۲۰.۱	۱۹.۶	۴.۷	۴.۶	۴.۸	۱۰.۹	۱۰.۹	-۷.۳	-۷.۰	-۶.۰	۱.۷	۱.۵
تهران	-	۳۳.۳	۱۳.۵	۱۴.۸	۱۵.۳	-	-	۷.۰	۱۰.۱	۱۰.۱	-۷.۳	-۱۰.۰	-۱۱.۰	۳.۰	۲.۳
بهارستان و خاوری	۴۰.۰	۵۳.۸	۲۴.۹	۲۰.۹	۲۲.۶	۴.۱	۷.۳	۸.۷	۱۳.۱	۱۳.۱	-۳.۶	-۳.۰	-۳.۰	۱.۳	۱.۳
خراسان جنوبی	-	-	-	-	۲۳.۸	-	-	-	۱۱.۸	۱۱.۸	-	-	-	۱.۳	-۸.۰
خراسان رضوی	۳۹.۶	۴۴.۵	۲۰.۱	۲۰.۱	۲۳.۱	۳.۸	۷.۳	۸.۹	۱۳.۰	۱۳.۰	-۸.۹	-۷.۰	-۷.۰	۲.۶	۱.۷
خراسان شمالی	-	-	-	-	۲۲.۳	-	-	-	۱۳.۳	۱۳.۳	-	-	-	۲.۳	۱.۱
خوزستان	۴۵.۳	۵۴.۸	۲۲.۳	۲۱.۳	۲۳.۳	۴.۵	۵.۷	۴.۷	۱۱.۳	۱۱.۳	-۸.۰	-۶.۰	-۵.۰	۱.۹	۱.۰
زنجان	۴۳.۷	۴۳.۸	۱۷.۳	۱۷.۳	۱۹.۶	۳.۳	۳.۸	۷.۰	۱۱.۷	۱۱.۷	-۳.۳	-۳.۰	-۳.۰	۲.۳	۱.۳
سمنان	۱۷.۸	۳۷.۵	۱۴.۷	۱۴.۹	۱۵.۰	۴.۳	۸.۱	۷.۹	۹.۳	۹.۳	-۸.۱	-۶.۰	-۶.۰	۱.۳	-۸.۰
سمنان و قزوین	۴۵.۹	۷۳.۷	۲۰.۹	۲۰.۹	۳۴.۹	۱.۴	۵.۰	۴.۵	۸.۳	۸.۳	-۳.۳	-۳.۰	-۳.۰	-۷.۰	-۶.۰
فارس	۴۱.۲	۴۸.۳	۱۹.۰	۱۷.۳	۱۸.۰	۳.۱	۵.۳	۷.۶	۱۱.۶	۱۱.۶	-۷.۶	-۵.۰	-۵.۰	۱.۹	۱.۳
قزوین	-	-	-	-	۱۴.۹	-	-	-	۱۱.۰	۱۱.۰	-	-	-	۲.۳	۱.۱
قزوین	-	-	-	-	۲۰.۵	-	-	-	۱۱.۶	۱۱.۶	-	-	-	۲.۷	۱.۷
کردستان	۴۳.۵	۵۴.۷	۲۱.۸	۲۱.۸	۱۸.۸	۵.۳	۷.۶	۸.۱	۱۳.۳	۱۳.۳	-۸.۱	-۸.۰	-۸.۰	۲.۵	۱.۸
کردستان	۴۴.۸	۵۰.۳	۲۴.۰	۲۴.۰	۲۰.۰	۷.۳	۷.۶	۷.۹	۱۱.۷	۱۱.۷	-۷.۹	-۷.۰	-۷.۰	۱.۷	۱.۰
کرمان	۴۵.۷	۴۳.۳	۲۳.۰	۲۳.۰	۱۷.۷	۵.۳	۴.۳	۸.۰	۱۱.۶	۱۱.۶	-۵.۳	-۵.۰	-۵.۰	۲.۶	۱.۸
کهگیلویه و بویراحمد	۵۷.۸	۴۳.۵	۲۵.۳	۲۵.۳	۲۲.۹	۳.۰	۴.۳	۵.۳	۱۱.۱	۱۱.۱	-۵.۳	-۳.۰	-۳.۰	۲.۵	-۸.۰
گلستان	-	-	-	-	۲۲.۳	-	-	-	۱۳.۱	۱۳.۱	-	-	-	۲.۰	-۸.۰
گیلان	۳۴.۵	۳۷.۹	۴.۶	۱۳.۰	۱۱.۹	۴.۶	۴.۶	۴.۹	۱۱.۵	۱۱.۵	-۴.۹	-۳.۰	-۳.۰	۲.۷	۱.۳
لرستان	۴۴.۱	۵۰.۶	۲۳.۶	۲۳.۶	۲۰.۸	۳.۶	۴.۱	۷.۳	۱۳.۰	۱۳.۰	-۷.۳	-۷.۰	-۷.۰	۲.۱	۱.۱
مازندران	۲۸.۷	۲۷.۳	۱۰.۹	۱۱.۳	۱۳.۸	۳.۷	۵.۳	۵.۹	۱۱.۸	۱۱.۸	-۵.۹	-۳.۰	-۳.۰	۲.۵	۱.۳
مرکزی	۵.۳	۴۰.۷	۱۷.۰	۱۴.۸	۱۵.۳	-۸.۰	-۸.۰	۴.۷	۱۰.۸	۱۰.۸	-۷.۷	-۶.۰	-۶.۰	۲.۳	۱.۳
هرمزگان	۴۹.۴	۴۰.۳	۲۷.۸	۲۷.۸	۲۴.۱	۳.۵	۷.۳	۴.۵	۱۰.۹	۱۰.۹	-۴.۹	-۳.۰	-۳.۰	۱.۸	۱.۰
صنعا	۳۳.۶	۴۴.۶	۱۸.۹	۱۴.۶	۱۹.۱	۴.۶	۷.۰	۷.۰	۱۳.۶	۱۳.۶	-۸.۷	-۸.۰	-۵.۰	۲.۳	۱.۳
یزد	۴۳.۹	۵۰.۵	۱۴.۷	۱۸.۱	۲۲.۶	۵.۷	۷.۷	۹.۳	۱۱.۵	۱۱.۵	-۷.۷	-۳.۰	-۳.۰	۱.۳	۱.۳

## نتیجه گیری

این مقاله در تلاش است تا با استفاده از سه رویداد جمعیت‌شناختی، تحولات خانواده ایرانی را مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد، متغیرهای جمعیت‌شناختی به عنوان یک عینیت، انعکاس تحولات ذهنی کنشگران را در تحولات خانواده به نمایش می‌گذارند. در حالت کلی دستاورد این مقاله را می‌توان در یک جمله اینطور بیان کرد که طی بررسی سه شاخص جمعیتی در ۴ دوره ۱۰ ساله، مشخص شد که ساختار خانواده در ایران تغییر اساسی را تجربه کرده است. در حالت کلی در مقایسه بین سالهای مورد بررسی، در سال ۱۳۶۵ بیشترین نرخ ولادت، سال ۱۳۸۵ بیشترین ازدواج و در سال ۱۳۹۵ بیشترین طلاق در کشور ثبت شده است. در گام نخست، باید گفت، هنوز خانواده به عنوان یک نهاد مهم در میان سایر نهادهای اجتماعی حائز اهمیت است، چرا که نرخ ازدواج از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ بدون استثناء در همه استانها رشد یافته است و این امر را می‌توان دلیلی بر تمایل ایرانیان به تشکیل خانواده قلمداد کرد. درست است که در دنیای مدرن کارکردهای ازدواج تغییر یافته است و مولفه‌هایی که در گذشته فرد را به سمت زندگی مشترک سوق می‌داد با توجه به عوامل مختلف دنیای مدرن تغییر یافته است، همانطور که آلن ژیرا، معتقد است، هیچ نهادی همانند ازدواج تحت تاثیر دگرگونیهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (ساروخانی: ۱۱، ۱۳۸۸). از این رو دگرگونی ازدواج در جامعه ایرانی نیز رخ داده است، اما با وجود همه این تحولات، هنوز ازدواج جزء آیین‌های مقدس ایرانیان شناخته می‌شود.

در گام‌های بعدی با بررسی تغییرات نرخ ولادت و طلاق طی ۴۰ سال، می‌توان به این مهم دست یافت که علیرغم پایداری اهمیت خانواده در جامعه ایرانی، کارکردها و ارزش‌های حاکم درون خانواده با تحولات اساسی همراه بوده، به طوریکه امروزه با حضور واژه‌های مشترک به نام خانواده در گذشته و امروز تحولی عظیم در نهاد این مفهوم رخ داده است که گاهی تناقض‌هایی را میان ایرانیان امروز و دیروز بنیان نهاده است. نرخ ولادت بدون استثناء در همه استانها کاهش یافته است، هرچند میزان کاهش بسته به فرهنگ و شاخص‌های اقتصادی در میان استانها متفاوت بوده، ولی بدون شک کاهش قابل توجه فرزندآوری در همه استانها مشهود است. در گذشته فرزندآوری آرمانی ستودنی در تشکیل خانواده محسوب می‌شد، به طوری که گاهی مشکلات جسمی هریک از زوجین در عدم فرزندآوری تهدیدی بر پایداری

نهاد خانواده بود. اما امروزه فرزندآوری از اولویت‌های خانواده، سقوطی جدی را تجربه کرده است. به طوری که در عرض ۴۰ سال نرخ ولادت از ۴۱ واقعه به ۱۹ واقعه کاهش یافته است و این رخداد جمعیتی را می‌توان تحولی کاملاً جدی در نظام خانواده دانست. علیرغم تفاوت‌هایی که به لحاظ فرهنگ، اقتصاد و سایر مسائل اجتماعی در بین استانها وجود دارد، اما همه آنها با تفاوت‌هایی، کاهش ولادت را تجربه کرده‌اند. تغییرات فراوانی واقعه طلاق را نیز می‌توان شاهدی دیگر بر دگرگونی نگرش اعضای خانواده تلقی نمود، زیرا با توجه به پیشینه مذهبی و تابو بودن رویداد طلاق، افزایش این شاخص جمعیتی را با وجود همه ممانعت‌های موجود مسئله‌ای قابل تامل در ساختار خانواده به شمار می‌آید.

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه نموده و به شکلی فزاینده با علل و عوامل پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. به نظر گیدنز یکی از عمده‌ترین تاثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده است (گیدنز، ۱۳۷۹). وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی، سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود (آماتو، ۱۹۹۸، به نقل از اخوان تفتی ۱۳۸۲). طلاق می‌تواند نشانه‌ای از دگرگونیهای اتفاق افتاده در جامعه امروز باشد. نشانه‌ای که می‌توان از آن به تفسیری مجدد از خانواده و کارکردهایش رسید، اینکه دیگر نمی‌توان از خانواده انتظار کارکردهای پیشین را طلب کرد. بلکه باید به دنبال گمشده‌هایی بود که انسان امروز آن را در لوای خانواده طلب می‌کند و این امر خود می‌تواند دلیلی بر تغییرات ناموزونی باشد که در نمودار طلاق به نمایش در می‌آید. جامعه امروز ما تعادل ساختاری خود را از دست داده است و بروز پدیده‌هایی چون طلاق عاطفی و طلاق ثبتی نشانه‌هایی از چالش در این تعادل است. گرنسهایم، معتقد است در ازدواج مدرن احساسات است که دو شریک را بهم پیوند می‌دهد، زمینه مشترک تقریباً منحصراً عاطفی است. در نتیجه، هنگامی که احساسات گرم تبخیر می‌شود، این آغاز پایان است. امروزه ازدواج اشتباه با طلاق قابل درمان است

(گرنسهایم ۲۰۱۳). به عقیده زارتلر، ماهیت و معنای طلاق در دنیای امروز عوض شده، اگر در گذشته طلاق باعث ایجاد زیانهایی برای تمامی اعضای خانواده می‌شد، امروزه در واقع طلاق در بسیاری از موارد، از وقوع فجایع بزرگ‌تری جلوگیری می‌کند. حتی در مواردی شرایط بهتری برای افراد ایجاد می‌کند، این به معنی حمایت از طلاق نیست، اما به معنی بازنگری در معنا و کارکردهای آن است (لیبی، ۱۳۹۳: ۵).

این مقاله سعی در شناخت تحولات مفهومی ذهنی به نام خانواده با استفاده از ابزارهایی عینی به نام ولادت، ازدواج و طلاق داشته است. کاهش باروری، ازدواج و رشد طلاق از ویژگیهایی است که در نظریه‌گذار جمعیتی دوم بدان اشاره شده است. نظریه کلاسیک گذار جمعیتی به تحولات جمعیتی و تغییراتی که در جامعه انسانی رخ می‌دهد، تمرکز دارد که دلیل مهم انتخاب موضوع مقاله حاضر نیز کشف این رابطه بوده است. تئوری گذار جمعیت‌شناختی را شاید بتوان برجسته‌ترین تئوری کلاسیک جمعیت‌شناسی تلقی کرد که توانسته است، روند تغییرات جمعیتی را بطور نسبتاً جامع توصیف و تبیین نماید (مای، ۱۳۹۷). همانطور که در آمارها نشان داده شده است، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ ثبت واقعه طلاق ده برابر شده است. این امر در حالی است که طی چهار سال فوق، ازدواج‌های ثبت شده تنها ۴ برابر رشد یافته است. این مقایسه خود می‌تواند، نشان از کاهش ازدواج‌های انجام شده نسبت به طلاق‌های صورت گرفته باشد. این رویداد از جمله ویژگیهایی است که لستهاق و نیلز در گذار جمعیتی دوم از آن یاد کرده‌اند. در این دیدگاه بر رشد فردگرایی تاکید شده که این امر یکی از دلایلی است که در بروز افزایش سن ازدواج و طلاق نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. براساس تئوری جهانی شدن، ارتباطات متقابلی در کل جهان ایجاد شده و برقراری ارتباط بین افراد بدون محدودیت مکانی، موجب ابعاد گسترده‌ای از تاثیرپذیری در جوامع انسانی است که تغییر نگرشها، می‌تواند یکی از پیامدهای کوچک این تبدالات باشد. تغییر نگرشها در تمام سطوح زندگی فردی تسری می‌یابد که یکی از نمودها می‌تواند در ساختار خانواده باشد. بالارفتن میانگین سنی ازدواج، کاهش فرزندآوری، رشد طلاق و.. در انعکاس این تغییرات ساختار خانواده است. نکته‌ای که می‌توان در این مجال مطرح کرد، آنست که در بررسی مقایسه‌ای میان استانها، لزوماً استانهایی که بالاترین ولادت را ثبت کرده‌اند، دارای

بالاترین نرخ ازدواج نبوده‌اند. به طور مثال استان کهگیلویه و بویراحمد، دارای رتبه اول نرخ ولادت در سال ۱۳۵۵ بوده، اما در هیچ یک از دهه‌های مورد بررسی، رتبه برتر در ثبت ازدواج را کسب نکرد. حتماً باید براین نکته تاکید کرد که، استانهایی که دارای بالاترین فراوانی ولادت هستند، معمولاً دارای فراوانی بالای ازدواج نیز می‌باشند، بعبارت دیگر همواره تناسب معقولی میان ثبت ولادت و ازدواج در میان استانها وجود داشته است. اما درخصوص رابطه میان نرخ ازدواج و طلاق باید گفت، همیشه نمی‌توان رابطه مستقیمی میان ثبت ازدواج و طلاق در استانهای مختلف یافت. یعنی ثبت ازدواج بیشتر لزوماً ثبت طلاق بیشتری را محتمل نیست، زیرا ثبت طلاق پدیده‌ای است، کاملاً فرهنگی که تحت‌تاثیر مستقیم ارزشهای هر استان متغیر است.

جامعه‌شناسان کلان نگر با تکیه بر قابلیت انعطاف‌پذیری در خرده نظام‌ها به نفع حفظ کل نظام جامعه معتقدند که خانواده باید خود را با شرایط جدید وفق دهد تا بتواند به بقای خود ادامه دهد. اعضای نظام، باید به گونه‌ای در برابر گسترش نظام واکنش نشان دهند که بتوانند در برابر کارکردهای جدید یارای مقاومت داشته باشند (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

نوع بشر در حال تجربه و بازسازی خانواده به شکلی متناسب با جهان کاملاً دگرگون شده هزاره جدید است. ایران نیز اگرچه به عنوان یک جامعه نسبتاً سنتی و مذهبی در مقابل این تغییر شکل مقاومت کرده و نسبتاً تأثیر کمتری از آن گرفته، اما برخی چالش‌های اساسی در ذهن مردم به ویژه جوانان ایجاد شده است که لازم است با گفتگوی بین نسلی پیرامون آنها، پاسخ مناسبی یافت شود. این واقعیت از سوی همگان پذیرفته شده است که میزان کاهش موالید، گامی است که سالخوردگی جمعیت جامعه را هشدار می‌دهد و نیز رشد طلاق مسائل جانبی دیگری را با خود همراه می‌کند که خود می‌تواند عاملی در بروز آسیب‌های مختلف تأثیرگذار باشد. جامعه امروز ما در حال تحولی است که باید شناخته شود تا مدیریت گردد و تنها سرکوب کردن و ندیدنش از مسائل موجود نمی‌کاهد. به نظر می‌رسد هنوز اراده‌ای جدی در راستای پاسخگویی به چالش‌های ایجاد شده در جامعه ما شکل نگرفته است. تغییرات در میزان فراوانی ولادت، ازدواج و طلاق عینیتی است که تحت تأثیرگذار جمعیتی و جهانی شدن، انعکاسی از دگرگونی ساختار خانواده ایرانی طی ۴۰ سال (۱۳۹۵-۱۳۵۵) را به ارمغان آورد.

منابع:

- احمدی، وکیل. قاسمی، وحید. کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۱) بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناسی خانواده. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. سال ۱۰ شماره ۱. بهار ۱۳۹۱. ص ۸۶
- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲) پی‌آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن. مطالعات زنان. سال اول. شماره ۳. زمستان ۱۳۸۲. صص ۱۵۱-۱۲۵
- اسعدی، محمود (۱۳۸۷) جامعه‌اطلاعاتی نظریه‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها، تدبیر شماره ۱۹۴. ص ۶۰
- برناردز، جان (۱۳۹۰) درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسن قاضیان، تهران، نی
- بشیریه حسین (۱۳۷۳) یکسان‌سازی، یکتانگاری. دیالکتیک تاریخی و مسائل توسعه سیاسی در ایران. فرهنگ و توسعه. شماره ۱۷. صص ۶-۲
- پرسا رولان (۱۳۷۴) آنالیز جمعیت‌شناسی. ترجمه خسرو احمدی. تهران. انتشارات سمت.
- ترنر، برایان اس (۱۳۸۱) شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه غلامرضاکیانی. تهران. نی. فرهنگ گفتمان
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰) نظریه جامعه‌شناسی. تهران. انتشارات سمت.
- داده‌های آماری سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۵۵ الی ۱۳۹۵
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. نشر سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)
- سرایی، حسن (۱۳۸۵) تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. دوره ۱۰ شماره ۲. صفحه ۴۰
- سرایی، حسن (۱۳۷۶) مرحله اول گذار جمعیتی ایران. نامه علوم اجتماعی. شماره ۹ و ۱۰. صص ۶۷-۵۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و عسکری ندوشن عباس (۱۳۸۴) تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران. مجله علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی. بهار شماره ۲۵. صص ۳۵-۷۵
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۹) هویت ملی در ایران، فراتحلیل مقاله‌های فارسی موجود. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۰. صص ۳۵-۱

- فروتن، یعقوب (۱۳۷۹) ملاحظیات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران. فصلنامه جمعیت. سال هشتم. شماره ۳۱ و ۳۲. صص ۴۶-۶۹
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲) چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تاکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی. مسائل اجتماعی ایران. سال چهارم. شماره ۲. صص ۱۲۹-۱۲۵
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست). دوره ۲. شماره ۳. پاییز صص ۱۲۴-۱۰۳
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی تهران: نشر مرکز
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جهان رها شده. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: نشر علم و ادب
- مارک ویلیامز (۱۳۷۹) بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. اطلاعات سیاسی، اقتصادی. شماره ۱۵۶-۱۵۵. صص ۱۴۱-۱۳۲
- مارشال، گوردن (۱۳۸۸) فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه دکتر حمیرا مشیرزاده. تهران: نشر میزان
- مای جان اف (۱۳۹۷) سیاست‌های جمعیتی جهان. مترجم یعقوب فروتن. نشر موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
- مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی جمعیت و مسکن. سالهای. ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵
- میرزایی، محمد (۱۳۷۸) نوسانات تحدید موالید در ایران. فصلنامه جمعیت. شماره ۲۹ و ۳۰. صص ۵۸-۳۸
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۵) شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه حسین دانائی فردوسی. حسین کاظمی. تهران. نشر کتاب مهدیان
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹) جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: انتشارات مدیریت سازمان صنعتی
- lesthaeghe,r@neels,k,(2002).from the first to the second demographic transition :an interpretation of the spatial continuity of demographic innovation in france ,belgium and switzerland,european journal of population ,vol.18(2002)325 - 360
- Gernsheim\_ elisabet-beck (2013).family structures, reproductive technologies and individualization in second modernity [available at: <https://www.theory culture society .org/interview-with elisabet-beck>]
- Giddens, Anthony (1999) Runaway world: 4 family [available at: <http://www.bbc>].

couk/reith1999/lecture 4html]

Gillies, Val (2003)» familiy and intimate relation ships. london.south bank university

-Kumar.A.(2012).The impact of globalization on familiy structure:a sociological study (in reference to the 300 benegali families situating in udham singh nagar DISTRICT OF UTTARAKHAND. JOURNAL OF EXPERIMENTAL SCIENCES 2012 3(1):10 - 13

Petersn, willian. (1969) population. New York: the MACMILLLAN company-

-Scholte, J.A,(1993) The International relations of Social Change, Buckingham , open university press, , P 13 - 14.